

نقش مراکز علمی در توسعه فرهنگی کرمان دکتر محمدرضا حاتمی^۱

چکیده

توسعه در گستره فرهنگ، فرایندی است که به تناسب شرایط زمانه نیازمند بازتولید است. در این زمینه مراکز علمی نقش محوری و اساسی بر عهده دارند. پژوهشگران حوزوی و دانشگاهی میتوانند موضوعات و دغدغه های فرهنگی را در دستور کار خود قرار دهند و موجبات توسعه فرهنگی کرمان را پدید آورند. هدف نوشتار حاضر این است که پرسش های اساسی در گستره توسعه فرهنگی را بازشناسی نماید؛ از همین روی با روش توصیفی-تحلیلی به استخراج این پرسشها اقدام نموده است. داده های پژوهش حکایت از این دارند که حداقل هفده پرسش و دغدغه اساسی در حوزه توسعه فرهنگی نیاز به پاسخ دارند. انجام پژوهش در راستای حل این پرسشها، مقدمه ای برای عملیاتی نمودن برنامه های توسعه فرهنگی کرمان خواهد بود.

واژه های کلیدی

فرهنگ، توسعه فرهنگی، فرهنگ کرمان، پرسش های فرهنگی

۱- مقدمه

شهرت مردم و شهرها با فرهنگ آنهاست. فرهنگ اصلی‌ترین معیار برای داوری درباره شهرها و استان‌هاست. استان کرمان با فرهنگی غنی، تمدنی قدیمی و با مساحتی در حدود ۱۱ درصد از وسعت کل کشور در میان حلقه‌ای از پنج استان سیستان و بلوچستان، هرمزگان، فارس، یزد و خراسان جنوبی، قرار گرفته است.

چنین محیطی با مردمانی نجیب، جغرافیایی مناسب و فرهنگی مستعد رشد و شکوفایی انسان‌هایی سخاوتمند را به سمت خود متوجه ساخته است. بزرگ‌مردی روانه کرمان شد و مسجد جامع را بنا نمود. مردمان خیری مریم‌خانه، مکتب، مدرسه و حوزه علمی ساختند. مهندس افضلی‌پور نیز هر چه از امکانات دنیوی داشت صرف تأسیس بزرگ‌ترین دانشگاه در کرمان نمود.

مهاجرت‌ها و در کنار هم قرار گرفتن مردمانی از فرهنگ‌های مختلف با قومیتها، زبان‌ها، آداب و رسوم متفاوت موجب به‌وجود آمدن محیط‌های چند فرهنگی در کرمان شده است. کرمان از جمله استان‌هایی است که تنوع فرهنگ در آن مشهود و بارز است و چند هزار سال است که فرهنگ‌های گوناگونی در کنار هم در این استان زندگی کرده‌اند.

رمز توسعه و شکوفایی روز افزون فرهنگی سرزمینی چند فرهنگی مثل کرمان، چیست؟

با توجه به اینکه معتقدیم توسعه فرهنگ فرایندی است که پیوسته نیازمند بازتولید است، و مبنای مباحث فرهنگی جامعه را باید از رهبران آن اتخاذ کرد و نظر به آنکه آیت‌الله خامنه‌ای در گستره فرهنگ صاحب نظر می‌باشند و یکی از دغدغه‌های ایشان، توسعه فرهنگی است؛ محور اصلی مقاله بر پایه دیدگاههای ایشان است.

بنابراین، توسعه فرهنگی امری تدریجی و وابسته به عوامل مختلف است؛ ولی می‌توان با الگوهای علمی مسیر توسعه فرهنگی را تسهیل کرد و زودتر به نتیجه رسید. حوزه و دانشگاه به عنوان دو نهاد مهم فرهنگی با برخورداری از کارکردهای گوناگون میتوانند عامل پیشرفت و توسعه فرهنگی یک جامعه و در نهایت سعادت آن باشند. به همین جهت، در این مقاله سعی داریم پرسش‌هایی طراحی کنیم و در اختیار فرهنگ‌پژوهان قرار دهیم که پژوهش‌های مبتنی بر این پرسش‌ها اسباب توسعه فرهنگی کرمان را فراهم نمایند.

۲- بحث

چیستی، چرایی و چگونگی سه پرسش اصلی برای تحقق یک پدیده هستند. پژوهش به ما می‌آموزد که مسأله اصلی ما چیست؟ و چرا باید آن را در کانون توجه خود قرار دهیم؟ و در نهایت چگونه می‌توانیم شرایط تحقق آن را فراهم نماییم؟

۱-۲- چيستی فرهنگ و توسعه فرهنگي

۱-۲-۱- فرهنگ

تاکنون هر اندیشمندی به مقتضای پیش فرضها و رویکردهای خود، تعریفی از فرهنگ ارائه داده است و به نظر می‌رسد هر چه در تعریف فرهنگ آمده‌است بیشتر به توضیح مختصات، مؤلفه‌ها و عناصر فرهنگ‌ساز متکی بوده‌است. از باب نمونه جوادی آملی معتقد است فرهنگ، مجموعه‌ای از ارزش‌های مادی و معنوی است که در آداب و رسوم، زبان، ادبیات، مقررات، عقاید، هنرها و سایر میراث‌های فرهنگی تجلی می‌یابد و بر راه و روش زندگی مردم اثر میگذارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

واژی «فرهنگ» از نظر آیت‌الله خامنه‌ای به معنای عام استعمال شده است و تمام ابعاد زندگی را شامل می‌گردد: هر جا که من تعبیر فرهنگ را به کار می‌برم، مرادم آن معنای عام فرهنگ است؛ یعنی آن ذهنیتهای حاکم بر وجود انسان که رفتارهای او را به سمتی هدایت میکند، این حداقل نیمی از عوامل تعیین کننده و پیش برنده و جهت دهنده به همه رفتارها است (بیانات: ۲۳/۰۹/۱۳۷۸).

بنابراین از نظر ایشان، فرهنگ عبارتست از ارزشها، باورها، ابزارها، اعتقادات، عادات، آداب و رسوم، بایدها، نبایدهای منبعث از بینش و معرفت و کمال فکری انسان که بر زندگی شخصی و اجتماعی خانه و محیط کسب و کار یک جامعه حاکم است که همچون ذره‌های الماس در طول قرون شکل میگیرد و استحکام مییابد (براتلو، ۱۳۹۱: ۴).

۱-۲-۲- فرهنگ صحیح

ما از نظر فرهنگی کیستیم و چگونه خود فرهنگیمان را تعریف می‌کنیم، ریلچه امتیازهای فرهنگی برای خود شناسایی می‌کنیم و چه نسبتی با دیگران داریم؟

عناصر مطرح در فرهنگ را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: بخشی از عناصر که بر سایر عناصر فرهنگی سایه می‌افکنند و چگونگی آن را رقم می‌زنند و بخش دیگر که عناصر تابع و درجه دوم فرهنگ تلقی می‌شوند. دسته اول را عناصر ریشه‌ای می‌نامیم و دسته دوم را عناصر ابزاری، قالبی و نمادین. عناصر ریشه‌ای فرهنگ عبارت است از عناصر بینشی و ارزشی؛ اما سایر عناصر فرهنگ از قبیل آداب و رسوم، هنر، زبان و ادبیات و ... عناصری هستند که ابزار و قالب انتقال یا حفظ عناصر ریشه‌ای است و یا نمادهای ویژه قومی و اجتماعی شمرده می‌شود و از عناصر ریشه‌ای متأثر است. استقلال فرهنگی مرهون استحکام در عناصر ریشه‌ای است که هر دگرگونی در فرهنگ از تغییر در عناصر ریشه‌ای آن منبعث است (کریمی، ۱۳۸۱: ۲۷).

آیت‌الله خامنه‌ای به عنصر «انسان فرهنگی» تأکید دارند و در خصوص فرهنگ صحیح معتقدند: فرهنگ صحیح در نظام اسلامی، فرهنگی است که با مبانی اسلامی، منطبق و عقل و خرد، همسان و

همگام باشد و اگر چنین فرهنگی در جامعه تحقق پیدا کند، آن جامعه به سمت رشد اقتصادی و رفاه و آزادی حرکت خواهد کرد (بیانات: ۱۳۹۰/۰۳/۲۳). ایشان فرهنگ مردم ایران را فرهنگ الهی توصیف می‌نماید و این فرهنگ را ضامن استقلال و آزادی می‌داند (بیانات: ۱۳۹۶/۱۲/۱۷). مؤلفه های فرهنگ صحیح با توجه به رهنمودهای آیت الله خامنه ای در جدول شماره دو، دسته بندی شده اند.

جدول ۲- مؤلفه های فرهنگ صحیح

ردیف	بیان و گزاره	شناسه	مؤلفه فرهنگ صحیح
۱	اساس و ریشه فرهنگ عبارت است از عقیده، برداشت و تلقی هر انسانی از واقعیات و حقایق عالم و نیز خلیقات فردی، اجتماعی و ملی.	بیانات مورخ (۷۷ / ۲/۲)	جهان بینی توحیدی
۲	اگر پایه های فرهنگی بخواهد مستحکم شود، شرط اصلی این است که ایمان مردم به دین و موارث فرهنگی خودشان روز به روز استحکام پیدا کند و تضعیف نشود.	بیانات مورخ (۸۵ / ۱۸/۸)	جامعیت دین اسلام
۳	اگر با قرآن انس گرفتیم، آن وقت این فرصت و این مجال پیدا خواهد شد که صاحبان فکر از کشورهای مختلف، بر روی نکات قرآنی تدبیر کنند، چیزهایی را از قرآن استفاده کنند، استنباط کنند، بفهمند و به سؤالات گوناگون جواب بدهند.	بیانات مورخ (۱۳۹۶ / ۰۳/۰۶)	قرآن و هدایت آسمانی
۴	جهت گیری تمام فعالیت ها در جامعه باید در راستای نیل به این هدف باشد که افراد آن جامعه از کمالات اخلاقی برخوردار شوند در این صورت عمران، آبادانی و توسعه کشور ارزشمند خواهد بود.	بیانات مورخ (۱۳۸۸/۱/۱۶)	اخلاق و معنویت
۵	برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام، باید عقل را معیار و ملاک قرار بدهیم. اولین کار در این راستا این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام شود.	بیانات مورخ (۱۳۸۸ / ۲۹/۴)	عقلانیت و خردورزی
۶	اصل عدالت شاخصه برجسته الگوهای بشری و الهی است و فقرزدایی و تلاش در جهت برابری افراد و استفاده از امکانات موجود در جامعه از ضروریات عدالت اجتماعی مورد نظر اسلام می باشد.	بیانات مورخ (۱۳۸۸/۱/۱)	قسط و عدل
۷	توصیه من به همه مسئولان، به همه مراکز قانون گذاری و به همه احاد ملت، رعایت قانون است. اگر ما قانون را رعایت کنیم، دشمن نمی تواند به طمع ورزی خود ادامه دهد.	بیانات مورخ (۱۳۷۹ / ۷/۱۴)	قانونمندی و قانونگرایی

۲-۱-۳ - مفهوم توسعه فرهنگی

مفهوم توسعه فرهنگی از مفاهیمی است که نسبت به سایر بخش های توسعه چون توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از ابعاد و بار ارزشی بیشتری برخوردار است و تاکید بیشتری بر نیازهای غیرمادی افراد جامعه دارد؛ بنابراین، توسعه فرهنگی فرآیندی است که در طی آن با ایجاد تغییراتی در حوزه های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایشی انسان ها، قابلیت ها و باورها شخصیت ویژه ای را در آنها به وجود می آورد که حاصل این باورها و قابلیت ها، رفتارها و کنش های خاصی است که مناسب توسعه می باشد.» (بابا شمس و همکاران، ۱۳۹۶: ۸)

۲-۲- اهمیت فرهنگ

اهمیت فرهنگ در تحولات اخیر به حدی است که برخی از اندیشمندان از ظهور قاره ششم (فرهنگی) سخن می‌گویند. بسیاری نیز قرن بیست و یکم را قرن فرهنگ و پارادایم‌های فرهنگی می‌نامند (سینایی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۸۴: ۱۰۹). فرهنگ همچون گنجی گرانبها و ارزشمند است که قدرت دوباره‌سازی ویرانه‌ها را دارد. بسیاری از موفقیت‌ها و شکست‌های یک جامعه در فرهنگ ریشه دارد. به تعبیر حضرت امام خمینی (ره) «آن چیزی که ملت‌ها را می‌سازد فرهنگ صحیح است» (صحیفه امام، جلد ۱۷: ۱۵۳).

در بیان آیت‌الله العظمی خامنه‌ای نیز آمده است؛ من در ارزش گذاری ذهن خودم به مسائل فرهنگی بهای زیادی میدهم؛ یعنی این طور اعتقاد دارم که قوام یک کشور به فرهنگ است. ملیت یک ملت به فرهنگ آن ملت است؛ چنانچه، فرهنگ را اصلاح و دنبال نکردیم به احتمال زیاد برنامه ریزی هایمان ابتر خواهد بود؛ یعنی مدتی تلاش میکنیم، زحمت می کشیم؛ اما نمی توانیم به نتایج قطعی آن امیدوار باشیم. لذا مسأله فرهنگ، خیلی مهم است (خسروبیگی، ۱۳۹۱: ۱۸). شهید محمدجواد باهنر در این خصوص می‌نویسد: «در انقلاب اسلامی ما، انقلاب فرهنگی مطرح است و اگر انقلاب اقتصادی و انقلاب سیاسی است بر بنیان انقلاب فرهنگی است، ریشه انقلاب را ما فرهنگی می‌دانیم.» (باهنر، ۱۳۷۱: ۳۲۱). در ادبیات مقام معظم رهبری، اهمیت فرهنگ به گونه‌های مختلفی بیان شده است و مهمترین توصیفات رهبری در باب فرهنگ به شرح زیر می‌باشد:

جدول ۱- توصیف‌های فرهنگ

ردیف	گزاره و بیان	شناسه	توصیف
۱	قوام یک کشور به فرهنگ است. ملیت یک ملت به فرهنگ آن ملت است.	بیانات مورخ (۱۳۷۵/۹/۲۰)	فرهنگ به مثابه قوام یک کشور
۲	فرهنگ، اساس کار ماست. در واقع، فرهنگ با همه شعب آن، یعنی علم و ادبیات و غیره، روح کالبد هر جامعه است.	بیانات مورخ (۱۳۸۱/۱۱/۸)	فرهنگ، روح کالبد هر جامعه
۳	فرهنگ، مایه اصلی هویت ملت‌هاست.	بیانات مورخ (۱۳۸۳/۲/۲۸)	فرهنگ، هویت‌بخش ملت
۴	فرهنگ یک ملت، منشأ عمده تحولات آن ملت است.	بیانات مورخ (۱۳۸۳/۱۰/۸)	فرهنگ، منشأ تحولات ملت
۵	ما فرهنگ را بستر اصلی زندگی انسان می‌دانیم؛ نه فقط بستر اصلی درس خواندن و علم آموختن. فرهنگ هر کشور، بستر اصلی حرکت عمومی آن کشور است.	بیانات مورخ (۱۳۸۳/۱۰/۱۷)	فرهنگ، بستر اصلی زندگی آدمی
۶	فرهنگ مثل هواست که انسان وقتی که این هوا را استشناق کرد، با هوایی که استشناق کرده و با آن جانی که گرفته، می‌تواند دو قدم بردارد و جلو برود؛ بقیه کارها همه برخاسته از آن چیزی است که شما استشناق کرده‌اید.	بیانات مورخ (۱۳۸۶/۶/۴)	فرهنگ، همچون هوا

۲-۳- روش دسترسی به توسعه فرهنگی

هر فرهنگی مبتنی بر مبانی و جهان بینی خاصی شکل می گیرد. نوع نگاه به انسان، جهان و فرجام زندگی بشر و طبیعت، تعیین کننده عناصر و اجزای یک فرهنگ خواهد بود. اهداف فرهنگی نیز بر همین پایه شکل می گیرد و در نهایت روش ها و ابزار نیل به اهداف هم با توجه به نوع و کیفیت اهداف، انتخاب و به کار گرفته میشوند.

اما برای انتخاب روش توسعه فرهنگ، توجه به این موضوع مهم است که هر گروه و صنف و طایفه ای، زبان مخصوصی دارند بایستی با زبان قوم حرف زد، باید مسأله اول را در هر قشر و قومی پیدا نمود؛ مثلاً مسأله مهم در حوزه و دانشگاه، علم است. زبان مراکز علمی، زبان علم است. با زبان علم میتوان فرهنگ را توسعه داد؛ نمادهایی که مورد حمایت علم است، احساساتی که مورد تایید علم است و روشهایی که در جامعه علمی به کار گرفته میشود. در همین زمینه طرح پرسش های اساسی از گام های نخست است که باعث توسعه فرهنگی میشود.

۲-۴- پرسش های اساسی در گستره توسعه فرهنگی

- جذابیت های فرهنگ کرمان کدامند؟
- مردم کرمان از نظر فرهنگی چگونه مردمی هستند؟ چه تیپ فرهنگی دارند؟
- خرده فرهنگ ها در استان کرمان کدامند و چه ویژگیهایی دارند؟
- بین خرده فرهنگ ها در استان کرمان چه میزان هماهنگی وجود دارد؟
- مهم ترین مؤلفه های مشترک فرهنگ کرمان چیست؟
- ملاک ها و معیارهای فرهنگ در دنیای امروز کدامند؟
- براساس این معیارها، جایگاه فرهنگ کرمان کجاست؟
- از نظر فرهنگی، کرمان چه رتبه ای در کشور دارد؟
- فرهنگ در کدام بخش (حوزه، دانشگاه، مدرسه، خانواده و ...)، بیشتر نهادینه شده است؟
- آسیب ها، نقاط ضعف و تضادهای فرهنگی کرمان چه هستند؟
- نگرانی و دغدغه فرهنگی شهروندان کرمانی کدامند؟
- میزان تفاوت آنچه هستیم و آنچه باید باشیم چقدر است؟
- شهروندانی که فرهنگشان، شبیه فرهنگ کرمان است، برای توسعه فرهنگی چه کرده اند؟
- توافق ها و اختلاف های جمعی هر قوم و طایفه ای از مردم کرمان در مورد فرهنگ چه هستند؟
- کدام بخش از فرهنگ اسلامی، حداکثری است و در اکثریت مردم کرمان است؟
- کدام بخش از فرهنگ اسلامی، حداقلی است و در کمترین مردم است؟
- ابزارهای توسعه فرهنگی مناسب برای اقشار مختلف چه هستند؟

۳- نتیجه گیری

امروزه کرمان بنا به دلایل تاریخی و مردم شناسی، دارای ظرفیت بسیار بالای قدرت نرم در حوزه فرهنگ است و در همین راستا، توسعه فرهنگ به عنوان سرمایه‌ای اجتماعی واضح و آشکار است؛ اما تحقق توسعه در گستره فرهنگ، مقوله‌ای تدریجی است که به خودی خود رخ نمی‌دهد؛ بلکه امکانی است که باید به سمت آن حرکت کرد. حال سؤال کلی آن است که توسعه در حوزه فرهنگ چگونه محقق می‌شود و طراحان و مجریان سیاست فرهنگی چگونه باید این فرایند را دنبال کنند؟

با توجه به نتایج پژوهش، برای دستیابی بیشتر به توسعه فرهنگی، اولین گام تعیین پرسش است. با پاسخ دادن به این پرسشها است که هم قوانین علمی و منسجم فرهنگی چنان تدوین می‌شوند که برای چندین سال دارای اعتبار باشند، هم شرایط مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به منظور بالا بردن شناخت فردی و آمادگی برای تحول و پیشرفت فرهنگ در ابعاد مختلف ایجاد میگردد. در همین راستا، حوزه و دانشگاه می‌توانند موضوعات پژوهشی را مبتنی بر این پرسشها در دستور کار قرار دهند و موجبات توسعه فرهنگ استان کرمان را در ابعاد مختلف علمی، آموزشی، عبادی و اجتماعی فراهم نمایند.

فهرست منابع

- باباشمس، آرزو؛ سیدرضا صالحی امیری و فاطمه عزیزآبادی‌فراهانی. (۱۳۹۶). «ارائه الگوی مطلوب توسعه فرهنگی در کتابخانه ملی». مدیریت فرهنگی، ش ۳۶ (۱۱): ۱-۲۱.
- باهنر، محمد جواد. (۱۳۷۱). مباحثی پیرامون انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی.
- براتلو، فاطمه. (۱۳۹۱). «امنیت فرهنگ و راهبردهای کلان آن در حوزه مدیریت فرهنگی». جامعه پژوهی فرهنگی، ش ۲ (۳): ۱-۲۵.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). تسنیم. محقق: علی اسلامی. جلد اول، چ هشتم، قم: اسراء.
- خسروبیگی، رسول. (۱۳۹۱). جهاد فرهنگی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۸). صحیفه نور، ج هشتم، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه چاپ و نشر آثار امام.
- سینایی، وحید و غلامرضا ابراهیم‌آبادی. (۱۳۸۴). «کثرت‌گرایی فرهنگی در عصر جهانی شدن و تحول فرهنگ سیاسی نخبگان در ایران». نامه علوم اجتماعی، ش ۲۵: ۱۰۷-۱۳۹.
- کرمی، سعید و محمد موسوی جزایری. (۱۳۸۱). فرهنگ عمومی، دیدگاه‌ها و تأملات. تهران: اداره کل پژوهش‌های سیما.
- پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه ای